

فرق بین اصول دادرسی مدنی و جزائی

۱۰۰

چه قانونی باید در مورد دلیل رعایت شود

محاکم جزا باید متوجه باشند چه قانونی در دعوائی که طرح شده قابل اجراست: خواه وقتیکه قواعد دلیل بواسطه قانون جدیدی تغییر یافته . یا موقعی که در دعوی مطروحه تبعه خارجه مداخله دارد . و یا موقعی که در دادگاه سندی ارائه شود که در خارجه تنظیم شده است . اینک موارد فوق را تحت مطالعه دقیق قرار میدهم .

۱ - وقتیکه قواعد دلیل بواسطه قانون جدیدی تغییر یافته است

اگر اختلاف باشد بین قانونیکه در زمان سلطه آن قانون جرم واقع شده و قانون جدیدیکه تسهیل و یا بی اثر میکند اثبات جرم ارتكابی را در اینصورت قاضی جزائی باید قانونی را در نظر بگیرد که هنگام محاکمه مجری است و بنا بر این قانون جدیدیکه ملازم تر از قانون سابق است شامل متهم خواهد بود . این قانون برقع عموم است اجرای فوری آن بهیچ حقوق مکتسبه ناطمه نمیزند زیرا در مقابل اسباب و وسائل ودلالی که به متهم یا دادستان برای بیان حقیقت داده شده حقوق مکتسبه وجود ندارد . همین قانون است که طریقه و ترتیب و بطور خلاصه اصول و قواعد دلیل را معین میکند و قوانینی که این قواعد را برای کشف جرائم و تعیین مسئولیت مجرمین وضع میکنند هدفشان اصلاح و تکمیل رسیدگی و تحقیقات و تعیین روشی است که به مطمئن ترین و ساده ترین وجهی بکشف حقیقت منتهی میشود . اصول و قواعد جدیدیکه بدین نحو در قاع عموم وضع شده از روز اجرا برای قضاة اجباری است .

بنا بر آنچه فوقاً بیان گردید معلوم میشود . قوانین جزائی در صورتیکه ملازم تر از قانون سابق باشد عطف بما سبق میشود و متهمی که طبق قانون شدید سابق مرتکب جرم شده مجازات نخواهد شد بلکه مطابق قانون ملازم تر مجازات میشود و اما اگر قانون جدید شدیدتر از قانون سابق باشد در اینصورت قانون جدید شامل متهمی که طبق قانون سابق مرتکب جرم شده و خفیف تر بوده نخواهد بود و لذا بر حسب موارد از لحاظ رعایت حال متهم قوانین جزائی هم عطف بماسبق میشوند و هم نه میشوند . اصل عدم عطف قانون شدید بماسبق در قانون جزا شدیدتر

### فرق بین اصول دادرسی مدنی و جزائی

اجرا میشود تا قانون مدنی زیرا در جزائیات حیات و آزادی و استقلال و شخصیت انسان در مخاطره است و بهمین جهت در قلمرو جزائی قوانین شکل و قوانین ماهوی لاینفک از یکدیگر اند. تعیین مجازات مجرم بوسیله محاکم مستلزم یک دعوا و حکم قطعی قبلی است و حال آنکه حقوق مدنی دارای حیات مستقلی است و در آن حقوق مالی افراد مورد تخطی است که با طرح دعوا در محاکم صالحه هر فرد می تواند متعدی را ملزم با احترام حقوق خود نماید.

قوانین آئین دادرسی اعم از حقوقی و جزائی آنچه مربوط به شکل و تحقیقات Instruction و اصول دادرسی Procedure و همچنین قوانین مربوط بدلیل و صلاحیت بموجب قانون جدید از روز انتشار اجرا میشود و دارای اثر قهرائی اند حتی در مورد کارهای جاری که محاکمه و رسیدگی آنها شروع شده است.

### ۴ - موقعی که پای تبه خارجی در میان است

مطابق قوانین فرانسه اصل سرزمینی بودن قوانین جزائی قضاة را مجبور میکند در مورد دلیل قانون ملی و محلی را اجرا کنند اعم از اینکه متهم تبعه خارجه باشد و یا جرم در خارجه وقوع یافته و متهم در داخله تعقیب شده باشد محاکم جزا باید قانونی که حین ارتکاب و یا تعقیب در مملکت فعلاً اجرا میشود مورد عمل قرار دهند.

اصل صلاحیت سرزمینی بودن قوانین جزائی عموماً مثل يك قاعدة اصولی در امور جزائی مورد قبول عموم دول است. حسن اداره عدالت جزائی و جلوگیری از ارتکاب جرائم فریضه اصلی عموم دول است و همگی در آن ذی نفع اند و باید با هم باین عمل کمک کنند و هر يك وظیفه خاصی در این باب دارند و این وظیفه ناشی از استقلال و حاکمیت سیاسی متقابل دول است. و این امر مستلزم حفظ نظم عمومی در مملکت است که مأموریت و وظیفه اساسی حقوق جزائی هر مملکت است و زمین هم یکی از عناصر اصلی و اساسی حاکمیت هر دولت است و اگر دولتی بجزا لم مرتکبه در خارج از سرحداتش رسیدگی کند بحق حاکمیت آن دولت تجاوز کرده است.

از اصل صلاحیت سرزمینی بودن قوانین جزائی نتایج ذیل حاصل میشود :

### اولاً صلاحیت قضائی ارضی است

ثانیاً صلاحیت قانونی ارضی است یعنی محاکم یک دولت فقط صالحند جرائم مرتکبه در خاک آن دولت را رسیدگی کنند تابعیت مرتکب هر چه باشد داخلی یا خارجی

### فرق بین اصول دادرسی مدنی و جزائی

و قلمرو آن شبیه به قلمرو قضائی است یعنی قانون جزای یک مملکت شامل ساکنین آن مملکت اند اعم از تبعه داخله یا خارجه و یا شامل جرائمی که ممکن است اعم از تبعه داخله یا خارجه در خارج مرتکب شوند. این قبیل مسائل که مربوط است به **قوة مقننه هر مملکتی صلاحیت قانونی گویند که یکی از موضوعات حقوق جزائی بین المللی است** و معین میکند چه قانونی در این قبیل مسائل قابل اجرا است و یا کدام قاضی صلاحیت رسیدگی دارد مثلاً صلاحیت قاضی ایرانی محدود بجرائم مرتکبه در ایران است و یا جرائم مرتکبه در خارجه را هم صلاحیت رسیدگی دارد.

در حقوق مدنی ثابت است که قاضی يك مملکتی گاهی مجبور است در دعاوی که باو رجوع شده قانون خارجی را اجرا کند و این اصل هم **هتکی است بحقوق بین الملل خصوصی** چه حقوق بین الملل خصوصی اقتضا میکند در امور حقوقی قاضی یک مملکتی در بعضی امور قانون خارجی را اجرا کند مثل موضوعات مربوط باحوال شخصیه و اهلیت و حقوق ارثیه و غیره.

ثالثاً احکام جزائی صادر از یک مملکت خارجی هیچگونه ارزش جزائی اصولاً در خارج آن مملکت نخواهند داشت.

بنا بر مراتب فوق صلاحیت قانونی و صلاحیت قضائی از هم جدا است ولی در قلمرو حقوق جزائی این فرق کمتر ظاهر میشود زیرا مثل يك اصل محقق و مسلمی قبول شده است که صلاحیت قاضی جزائی مملکتی در يك دعوا اجرای قانون جزائی آن مملکت است و این اصل را عموم علماء حقوقی و جزائی تأیید و تصدیق کرده اند.

اصل صلاحیت سرزمینی بودن قوانین جزائی را مراتب زیر نیز تأیید میکند:

**الف:** در همان محل ارتکاب جرم است که بحقوق جامعه تعرض شده و نظم عمومی مختل شده است و اصولاً باید در همان محل متعرض بحقوق واخلال نظم عمومی مجازات شود که باعث عبرت دیگران شود.

**ب:** در محل وقوع جرم است که می توان عدالت کامل اجرا نمود زیرا تمام دلایل و شواهد و قرائن و اوضاع و اصول مربوط بجرم در همان محل موجود است و متحملین خسارات از وقوع جرم یعنی مدعیان خصوصی در همان محل اند بعلاوه نفع شخصی متهم هم اقتضا دارد رسیدگی در محل وقوع جرم بعمل آید تا قانون مملکت دیگر ولو قانون ملی خودش باشد.

اصل سرزمینی بودن قوانین جزائی در ایران  
ماده قانونی که مبین اصل صلاحیت ارضی قوانین جزائی در ایران

### فرق بین اصول دادرسی مدنی و جزائی

باشد بنظر اینجانب همانا ماده پنج قانون مدنی ایران است که بموجب آن کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه را مطیع قوانین ایران اعلام داشته است مگر در مواردیکه طبق ماده مزبور قانون استثناء کرده باشد و بنا بر این از ماده مزبور استنباط میشود که نظر مقنن از قوانین ایران اعم از قوانین جزائی و امنیت عمومی و قوانین مدنی است نتیجه آنکه طبق ماده مزبور رسیدگی بجرائم مرتکبه در ایران اعم از اینکه مرتکب تبعه داخله باشد یا خارجه :

اولاً در صلاحیت قاضی ایرانی است .

ثانیاً قانون ایران باید در باره مرتکب اجرا شود .

پس ماده مزبور متضمن صلاحیت قضائی و قانونی در امور جزائی و حقوقی است و محاکم جزائی ایران بلحاظ اصل صلاحیت سرزمینی بودن قوانین جزائی طبق اصول متداول در تمام ممالک مجبوراند در مورد دلیل قانون ایران را اجرا کنند خواه متهم تبعه خارجه باشد و یا اینکه جرم در خارج ایران وقوع یافته و متهم در ایران تعقیب و توقیف شده باشد .

ثالثاً : اصول کاپیتولاسیون و قضاوت قونسولهای خارجه در ایران برای همیشه در ایران منتفی شده است .

موارد استثنائی مذکور در ماده پنج قانون مدنی ایران یعنی مواردیکه بجای اجرای قانون ایران در مورد اتباع خارجه قانون دولت متبوعه آنها باید اجرا شود مربوط است باحوال شخصیه و اهمیت و حقوق ارثیه و طلاق و نکاح مصرح در مواد ۶ و ۷ و مواد ۹۹۲ تا ۹۷۴ قانون مدنی ایران آنهم در حدود معاهدات و مواردیکه مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه و قوانین مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی وضع شده نباشد بشرط اینکه متقابلاً تبعه ایران در خارجه نیز در موارد احوال شخصیه و اهلیت و حقوق ارثیه و ازدواج تابع قوانین ایران باشند .

برقراری اصل رعایت قانون ملی در مورد احوال شخصیه مبتنی بر عقل و منطق و احترام منافع مشترک ملل است زیرا قوانین شخصی همیشه مثل سایه همراه شخص است نقض چنین اصلی موجب اخلال امور اتباع دولتهاست .

۳ - موقعی که در دادگاه سندی ارائه شود که در خارجه تنظیم

شده است .